

# روباه حقه باز

بازیگران: راوی، روباه، خرگوش اول، خرگوش دوم  
**قصه گو:** روباه هیچ وقت نمی تونست خرگوش ها رو بگیره، چون همیشه از شون عقب می موند. تا اینکه یک روز فکری کرد...  
**روباه:** یه فکر عالی دارم! قایم باشک می کنم، خوب گولشون می زنم! حالا چی می خوام؟ یک سبد هویج، برای خرگوش های گیج!  
 (روباه می رود و با یک سبد پر از هویج می آید. سبد را جلوی سنگی می گذارد.)

**روباه** (رو به بچه ها): هیسسسس!

**روباه** (روباه آهسته پشت سنگ قایم می شود، اما دمش معلوم است):

بی سرو صدا می شینم، خرگوش ها رو می گیرم!

**خرگوش اول:** (خرگوش ها وارد می شوند و هویج ها را می بینند.) وای

جانمی! اینجا رو ببین! چقدر هویج تازه! نارنجی و خوشمزه! بدو

بخوریم تموم نشه، این همه هویج حروم نشه!

**خرگوش دوم:** (خرگوش اول به سمت سبد می رود و دومی سعی



می کند جلویش را بگیرد) انقده هول هول نکن، دست و پات رو گم نکن! (رو به بچه‌ها) خرگوش ریزه میزه، چشم‌ها و گوش‌هاش تیزه!

(دو تا خرگوش روی نوک پا و آهسته دور تا دور سبد هویج و سنگ را بادقت می‌گردند تا اینکه دم روباه را می‌بینند.)

**خرگوش اول** (رو به بچه‌ها آهسته): هویج نگو! بگو تله!

**خرگوش دوم** (رو به بچه‌ها آهسته): حقه‌ی روباه تنبله!

(خرگوش‌ها پیچ می‌کنند و آهسته می‌خندند. یواش جلو می‌روند و دوتایی دم روباه را محکم گاز می‌گیرند.)

**روباه** (از پشت سنگ بیرون می‌پرد. دمش را گرفته و گریه می‌کند): آخ

دُم و واخ دُم، وای که بیچاره شدم! (روباه دستش را به دمش می‌گیرد و

فرار می‌کند. خرگوش‌ها سبد هویج را برمی‌دارند و با هم می‌چرخند.)

**خرگوش اول و دوم**: ما بردیم و ما بردیم، هویج‌ها رو ما خوردیم!

**قصه‌گو**: چقدر خوب شد که خرگوش‌ها حواسشون جمع بود! یک سبد

هویج تازه نوش جونشون!